

تحلیل و طبقه‌بندی سطوح توسعه‌یافتگی در راستای برنامه‌ریزی راهبردی نواحی روستایی شهرستان تالش

وحید ریاحی^۱

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و عضو انجمن توسعه روستایی ایران، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

فرهاد جوان

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۲

چکیده

تعادل بخشی توسعه در روستاها به عنوان مراکز اصلی تأمین امنیت غذایی جامعه، علاوه بر قابلیت‌های اکولوژیک تا حد زیادی مرهون نظام برنامه‌ریزی است. این امر با توجه به روند فزاینده شهرنشینی در آینده، برای توسعه متوازن و آمایش محیط و شکل-گیری جامعه شهری پایدار غیرقابل اجتناب است. از آنجا که توسعه مفهومی چندبعدی است، بررسی سطوح و ابعاد توسعه و آگاهی از میزان برخورداری نواحی می‌تواند گامی مؤثر در تجدید سازمان و برنامه‌ریزی نواحی باشد. این امر نه تنها از بعد روستایی، که از جنبه منطقه‌ای دارای اهمیت است. این پژوهش باهدف شناخت مناطق برخوردار و محروم شهرستان تالش، در پی تشخیص تفاوت‌های ناحیه‌ای در زمینه شاخص‌های توسعه با روش اسنادی و میدانی است. شاخص‌های تحقیق در ابعاد آموزشی، بهداشتی، زیربنایی، اجتماعی، خدماتی، اداری و سیاسی طبقه‌بندی شده و با استفاده از تکنیک تاپسیس و تلفیق شاخص‌ها بررسی شده‌اند. جامعه آماری تحقیق دهستان‌های شهرستان تالش است. نتایج این پژوهش نشان داد که نخست دهستان‌هایی که از ارتباط بیشتر و مناسب‌تری با مرکز شهرستان برخوردارند، از ضریب توسعه‌یافتگی بالاتری برخوردارند. سپس دهستان حویق بالاترین و دهستان‌های اسالم و کوهستانی تالش پایین‌ترین میزان توسعه‌یافتگی را داشته‌اند. در نهایت این تحقیق نشان داد که نابرابری و ناهمگنی از نظر توزیع شاخص‌ها در ناحیه مورد بررسی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: توسعه‌یافتگی، توسعه روستایی، سطح بندی توسعه، سکونتگاه‌های روستایی، تالش.

مقدمه

چنانچه دانشمندان از توسعه تعاریف متعددی داده‌اند، میردال توسعه را عبارت از حرکت یک سیستم یک دست اجتماعی به سمت جلو می‌داند (Shakui, 1995: 499). هدف کلی توسعه، رشد و تعالی همه‌جانبه جوامع انسانی است، از این رو در فرآیند برنامه‌ریزی دستیابی به توسعه و قرار گرفتن در مسیر آن، شناخت و درک شرایط جوامع انسانی و نیازهای آنان در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات ضروری در این زمینه است (Rezvani, 2012: 1). شالوده‌های نگرش منطقه‌ای اصولاً بر بنیاد طرح و بررسی مسائل توسعه ناهمگون مناطق و نواحی مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، نگرش منطقه‌ای ضمن توجه به عدم تعادل‌ها، در جستجوی راه‌های متصور و ممکن برپایی هماهنگی‌ها و توازن‌های منطقه‌ای است، چرا که سعادت و رفاه انسان‌ها از اهداف اولیه و اصلی چنین نگرشی است. بر چنین مبنایی، قاعدتاً پیش از هر چیز لازم می‌آید تا مشخص گردد، مسائل منطقه‌ای اصولاً به چه علت و عللی بروز می‌کنند و چه ویژگی و تعریفی دارند. نابسامانی‌های منطقه‌ای بیش از هر چیز، ریشه در توزیع ناهمگون منابع و نتیجتاً فعالیت‌ها و بهره‌برداری‌های متفاوت دارند. البته سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، بدون توجه و آگاهی از پیامدهای حاصله، از دیگر عللی است که معمولاً به عدم تعادل در سطح مناطق و نواحی منجر می‌گردد و بالاخره تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دخالت دولت‌ها در ایجاد تغییر و تحول در مناطق خاص و در نتیجه بی‌توجهی به تبعات و نتایج این‌گونه تغییرات از اهم دلایل بروز ناهماهنگی‌های منطقه‌ای است (Saeedi, 2010: 66-67). جریان آزاد بین نواحی در یک سرزمین یا کشور در بلندمدت نوعی تعادل بین ناحیه‌ای را به وجود می‌آورد (Askari, 2002: 11). هدف اصلی برنامه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای و نواحی روستایی دستیابی به الگویی مناسب برای توزیع سکونتگاه‌ها، امکانات و فعالیت‌ها براساس ظرفیت‌های سرزمین و فضای جغرافیایی است. در برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای نیز موضوع اصلی رسیدن به چنین الگویی است که در آن عناصر کالبدی، فضاها و فعالیت‌های این مجموعه ارتباط و انسجام مناسب برقرار باشد (Jomepoor, 2007: 208). بنابراین اهداف کلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. برای دستیابی به اهداف یادشده در هر جامعه‌ای به تهیه و تدوین و در نهایت اجرای برنامه‌های مختلف نیاز است، زیرا یکی از مهم‌ترین خصایص اقتصاد پویا و سالم، توزیع مناسب و عادلانه امکانات و نمره‌های توسعه در میان اکثریت جمعیت هر ناحیه و منطقه یا کشور است. از این رو برنامه‌ریزان از طریق تهیه برنامه‌های محرومیت‌زدایی سعی در کاهش شکاف‌ها و نابرابری‌ها دارند (Ziyari et al, 2011: 1). در اکثر کشورهای در حال توسعه یک و یا دو منطقه - و در نهایت چند منطقه - وضعیت مناسب خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی، اجتماعی دارند و نقش عمده‌ای را در ایجاد درآمد و تولید ملی ایفا می‌کنند. این امر به بهای عقب‌نگه‌داشتن مناطق دیگر و افزایش شکاف و نابرابری بین مناطق و نواحی است. می‌توان به جرئت اظهار کرد که چنین وضعیتی بر اکثر قریب به اتفاق مناطق و استان‌های مختلف ایران حاکم است، و شهرستان تالش نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین در تحقیق حاضر، به نظر می‌رسد خانواده تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره - و از بین آن‌ها تکنیک تاپسیس - می‌تواند به بهترین شکل هدف این پژوهش را که رتبه‌بندی دهستان‌های شهرستان تالش در بخش‌های مختلف توسعه، و در قالب شاخص‌های انتخابی بر مبنای معیارهای علمی توسعه‌یافتگی است، برآورده سازد، و در نهایت به مقایسه نسبی

دهستان‌ها با یکدیگر پردازد. لذا به منظور شناخت قابلیت‌ها و ارزیابی وضعیت دهستان‌های شهرستان تالش از لحاظ دسترسی به امکانات توسعه روستایی به تعیین درجه توسعه‌یافتگی دهستان‌های این شهرستان در مقطع زمانی ۱۳۹۰ طبق شاخص‌های سازمان آمار کشور مبادرت می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای و بر پایه داده‌ای رسمی کشور صورت گرفته است. داده‌های مورد استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و سالنامه آماری کشور اخذ شده است. در این راستا در محاسبات با نرم‌افزار Excel و از نرم‌افزار GIS در ترسیم نقشه استفاده گردیده است. شاخص‌های مورد استفاده در قالب شاخص‌های آموزشی، بهداشتی - درمانی، سیاسی - اداری، خدماتی - بازرگانی، ارتباطات و حمل‌ونقل، مذهبی و زیربنایی جمع‌آوری شده است. سپس با استفاده از تکنیک تاپسیس به عنوان یکی از اعضای خانواده MCDM یا تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره امروزه در رتبه‌بندی مفاهیم مختلف در علوم گوناگون جایگاه ویژه‌ای یافته است که مهم‌ترین دلیل آن را می‌توان منطق ریاضی و شفاف و نیز عدم مشکلات اجرایی آن دانست (Ziyari et al,2011:21). عمل رتبه‌بندی صورت پذیرفته است.

جدول (۱) ابعاد و شاخص‌ها

ابعاد	شاخص‌ها
بخش آموزش	درصد روستاهای دارای روستا مهد، درصد روستاهای دارای دبستان، درصد روستاهای دارای راهنمایی پسرانه، درصد روستاهای دارای راهنمایی دخترانه
بخش بهداشتی - درمانی	درصد روستاهای دارای مرکز بهداشت، درصد روستاهای دارای خانه بهداشت، درصد روستاهای دارای پزشک خانواده، درصد روستاهای دارای پزشک، درصد روستاهای دارای بهورز
بخش سیاسی - اداری	درصد روستاهای دارای شورای اسلامی، درصد روستاهای دارای دهیار، درصد روستاهای دارای شورای حل اختلاف، درصد روستاهای دارای شرکت تعاونی روستایی
بخش بازرگانی - خدماتی	درصد روستاهای دارای نمایندگی نفت سفید، درصد روستاهای دارای بقالی، درصد روستاهای دارای نانوا، درصد روستاهای دارای تعمیرگاه کشاورزی
بخش ارتباطات و حمل‌ونقل	درصد روستاهای دارای دفتر مخابرات، درصد روستاهای دارای دفتر فناوری اطلاعات، درصد روستاهای دسترسی به اینترنت، درصد روستاهای دارای دسترسی به وسیله نقلیه عمومی
بخش زیربنایی	درصد روستاهای دارای برق، درصد روستاهای دارای گاز، درصد روستاهای دارای آب
بخش مذهبی	درصد روستاهای دارای مسجد، درصد روستاهای دارای امامزاده
در ۷ بعد	۲۶ شاخص

Source: Census of population and housing census,2010

ساختار مدل TOPSIS و مراحل آن

یکی از بهترین مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه بوده، که توسط هوانگ ویون در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد گردید. در این روش m گزینه به وسیله n شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اساس تکنیک براین مفهوم استوار است که گزینه انتخابی باید کم‌ترین فاصله را با راه حل ایده آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیش‌ترین فاصله را با راه حل ایده آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد (Momeni,2009:40).

مراحل کلی روش مذکور به صورت زیر است:

- تبدیل ماتریس تصمیم‌گیری موجود به یک ماتریس استاندارد.

- ایجاد ماتریس استاندارد موزون با مفروض بودن بردار وزن شاخص‌ها به عنوان ورودی الگوریتم

- مشخص نمودن راه حل ایده آل مثبت و منفی

- محاسبه اندازه فاصله از ایده‌آل‌های مثبت و منفی.

- محاسبه نزدیکی نسبی گزینه‌ها به راه حل ایده آل

- رتبه‌بندی گزینه‌ها بر اساس نزدیکی نسبی آن‌ها به راه‌حل‌های ایده آل (Asgharpour,2006:67).

لازم به ذکر است تعیین وزن شاخص‌ها به روش‌های مختلفی از قبیل: روش حداقل مربعات، روش حداقل مربعات

لگاریتمی، روش بردار ویژه، روش تقریبی و روش آنتروپی شانون قابل انجام است (Azar and

Rajabzade,2003:143). در این مقاله وزن شاخص‌ها بر اساس تکنیک آنتروپی شانون تعیین گردیده و به عنوان

ورودی به الگوریتم TOPSIS وارد می‌شود.

تکنیک آنتروپی شانون جهت تعیین وزن شاخص‌ها

در این روش ابتدا ماتریس داده‌های اولیه بر اساس فرمول زیر نرمال می‌گردد:

$$P_{ij} = r_{ij} / \sum_{i=1}^m r_{ij}$$

که در رابطه فوق P_{ij} مقدار نرمال n ص i ام در مکان i ام، r_{ij} مقدار شاخص اولیه و m تعداد گزینه‌هایی

است که قابل رتبه‌بندی شدن هستند. سپس E_j (آنتروپی هر شاخص) از مجموعه p_{ij} ها به ازای هر شاخص محاسبه

می‌گردد:

$$E_j = -K \sum_{i=1}^M (P_{ij} * \ln P_{ij})$$

$$(k=1/(\ln(n*m)))$$

که در رابطه فوق n تعداد شاخص‌ها و m تعداد مکان‌هایی است که باهم مقایسه می‌شوند. بر اساس رابطه (۲)، عدم

اطمینان یا درجه انحراف (d_j) هر یک از شاخص‌ها به صورت زیر به دست می‌آید: (Afrakhteh,2012:114-115).

و در نهایت وزن هر شاخص

$$d_j = 1 - E_j$$

روش TOPSIS خطی (W_j) به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$W_j = d_j / \sum_{j=1}^m$$

در روش تاپسیس، مرحله اول یا استانداردسازی شاخص‌ها بر اساس رابطه زیر صورت می‌گیرد:

ابتدا باید حداکثر مقدار هر شاخص x_j^+ و حداقل آن x_j^- مشخص شده و با استفاده از رابطه زیر نسبت به نرمال‌سازی

اقدام گردد، در صورتی که شاخص‌هایی با جنبه مثبت و جنبه منفی به طور ترکیبی در نظر گرفته شده باشد، جنبه

منفی را با معکوس کردن نتیجه آن به جنبه مثبت تبدیل می‌کنیم، در این صورت خواهیم داشت:

$$x_{ij} < 0 \quad r_{ij} = x_{ij}^- / x_{ij}$$

$$x_{ij} > 0 \quad r_{ij} = x_{ij} / x_j^+$$

پس از نرمال کردن شاخص‌ها، باید ماتریس استاندارد موزون به دست آید، که به صورت زیر است:

$$V_{ij} = r_{ij} * W_j$$

پس از تعیین ماتریس استاندارد موزون، باید ایده آل مثبت و ایده آل منفی برای هر یک از شاخص‌ها تعیین گردد که به صورت زیر عمل می‌شود:

$$A^+ = [V1^+, V2^+, \dots, Vj^+, \dots, Vn^+]$$

$$A^- = [V1^-, V2^-, \dots, Vj^-, \dots, Vn^-]$$

لازم به ذکر است که در روش خطی ایده آل مثبت هر شاخص برابر max آن و ایده آل منفی هر شاخص برابر min آن شاخص است.

به دست آوردن فاصله هر گزینه نسبت به ایده آل منفی و مثبت (S^+ و S^-):

فاصله گزینه i ام از ایده آل مثبت:

$$S^+ = \sum_{j=1}^n |V_{ij} - V^{+j}| = \sum_{j=1}^n D_j^+$$

فاصله گزینه i ام از ایده آل منفی:

$$S^- = \sum_{j=1}^n |V_{ij} - V^{-j}| = \sum_{j=1}^n D_j^-$$

محاسبه نزدیکی نسبی هر گزینه به ایده آل (C_i^+): این شاخص را جهت ترکیب کردن مقادیر S^+ و S^- و در نتیجه مقایسه گزینه‌ها نسبت به هم تعریف می‌کنیم:

$$C_i^+ = S_i^- / S_i^+ + S_i^-$$

رتبه‌بندی گزینه‌ها بر اساس مقادیر نزولی C_i^+ است به طوری که گزینه‌ای که دارای بیش‌ترین مقدار C_i^+ باشد توسعه‌یافته‌ترین و گزینه‌ای که دارای کمترین مقدار C_i^+ باشد توسعه‌نیافته‌ترین گزینه به شمار می‌آید (Hekmatnia and Mousavi, 2012: 128-129).

ضریب اختلاف (cv)

برای سنجش اینکه تا چه حد مقدار یک شاخص به طور نامتعادل در بین مناطق توزیع شده است، از روش ضریب اختلاف (cv) که گاهی آن را عامل ویلیام سون استفاده می‌شود. ضریب اختلاف با استفاده از فرمول ذیل محاسبه می‌گردد:

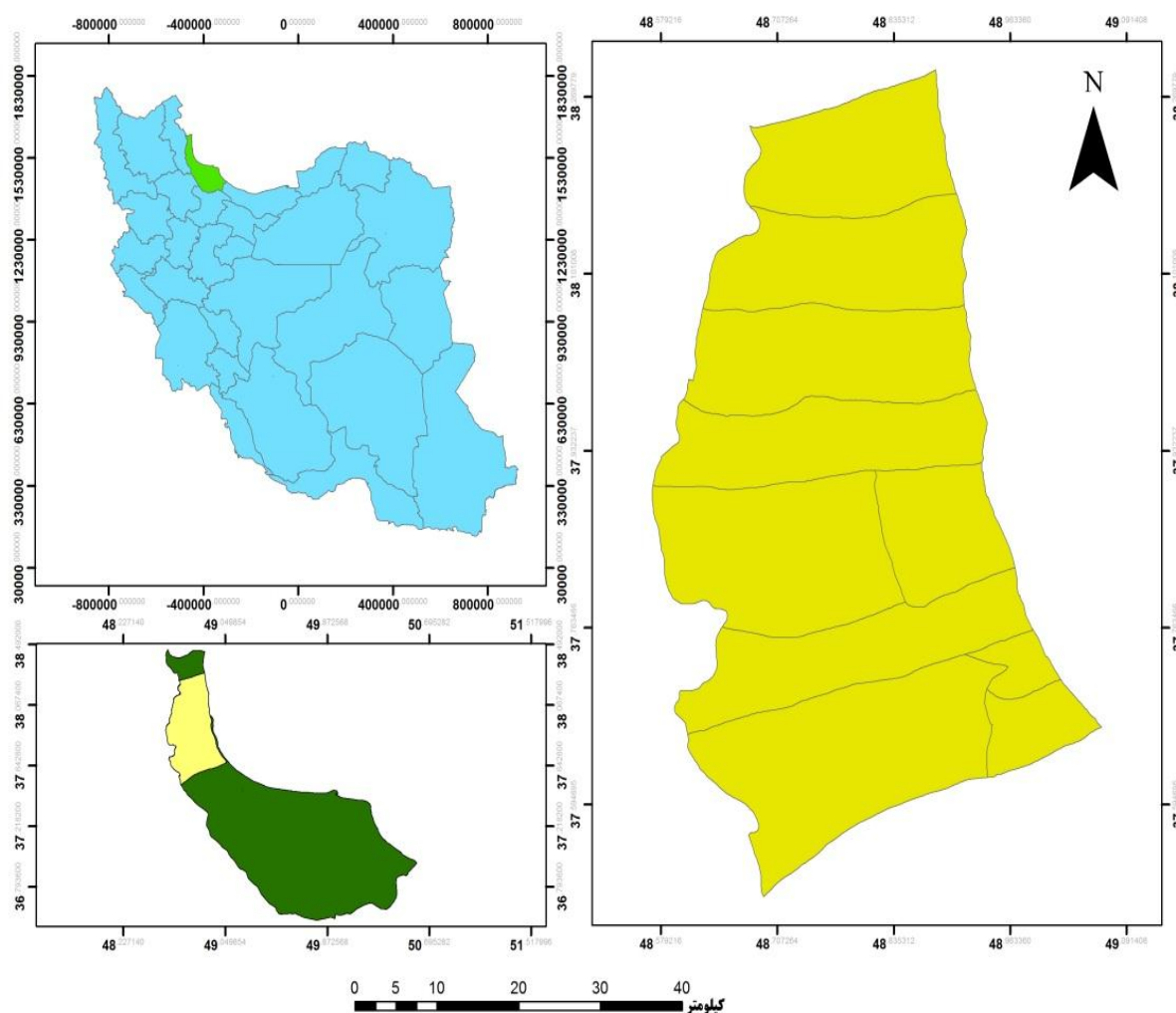
$$CV = \frac{\sqrt{\sum_{i=1}^n \frac{(X_i - \bar{X})^2}{N}}}{\sum_{i=1}^n \frac{X_i}{N}}$$

این روش برای بررسی روند نابرابری‌های موجود در شاخص‌های توسعه در بین نواحی در سطح وسیع مورد استفاده قرار گرفته است، که مقدار بالای (cv) نشان‌دهنده نابرابری بیشتر در توزیع شاخص فوق است (Kelantari, 2012: 140-141).

معرفی محدوده مورد مطالعه

طول جغرافیایی شهرستان تالش بین ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه و ۴۹ درجه و ۳ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی آن ۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه و ۳۸ درجه و ۱۶ دقیقه شمالی قرار گرفته است. شهرستان تالش در شمال غربی استان گیلان قرار گرفته است. از شمال به شهرستان آستارا، از جنوب به شهرستان رضوانشهر از شرق به دریای خزر و از غرب به

استان اردبیل محدود می‌شود، مساحت تالش ۸۷۲/۲۲۱۵ کیلومتر مربع است. مرکز تالش شهر هشتر است که ارتفاع آن از سطح دریای آزاد به ۸۰ متر می‌رسد. شهرستان تالش دارای چهار بخش به نام‌های حویق، مرکزی، اسالم، کرگانرود و تعداد ۵ شهر، ۱۰ دهستان و شامل ۳۲۰ آبادی دارای سکنه و ۵۰ آبادی بدون سکنه است (City government efforts). این شهرستان دارای دو ناحیه آب و هوایی جلگه‌ای و کوهستانی است بیشتر پهنه این شهرستان را دامنه‌های خزری رشته‌کوه تالش در برگرفته است که جلگه باریکی آن را از ساحل غربی دریای خزر جدا می‌سازد. جلگه ساحلی با ۱۵ درصد مساحت شهرستان، بیش از ۹۰ درصد جمعیت را در خود جای داده است. این شهرستان با دارا بودن پوشش گیاهی نسبتاً وسیع و باران‌خیزی مناسب (حدود ۱۰۰۰ تا ۱۴۰۰ میلی متر)، ناحیه‌ای مساعد برای فعالیت‌های دامداری و کشاورزی فراهم آورده است. مردم تالش به لحاظ واقع‌شدن در شرایط جغرافیایی مناسب از لحاظ آب و هوا، نوع خاک، پوشش گیاهی، آب‌های جاری و زیرزمینی کافی و ... موقعیت مناسبی برای فعالیت‌های کشاورزی و دام‌پروری دارند. از این رو اغلب افراد، این نوع مشاغل را برای کار انتخاب می‌کنند (Jihad Keshavarzi Shsrestan Talesh, Salname Amar Keshvar, 2014).



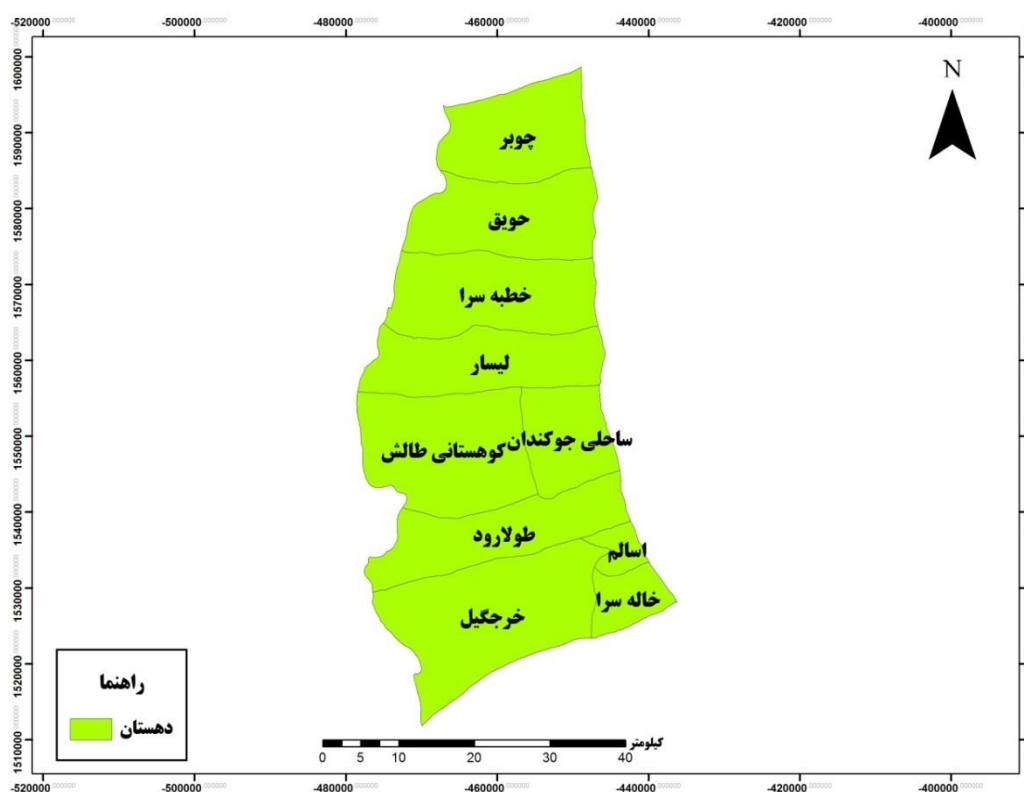
نقشه (۱) موقعیت سیاسی - اداری شهرستان تالش

Source: The authors draw, 2015

جدول (۲) توزیع جمعیت و آبادی‌ها در دهستان‌های شهرستان تالش

نام دهستان	جمعیت	خانوار	درصد جمعیت	تعداد آبادی	درصد آبادی
اسالم	۲۰۲۲۶	۴۷۶۵	۱۵.۶	۳۱	۱۰
خاله سرا	۶۹۳۰	۱۶۹۱	۵.۲	۱۳	۴
خرجگیل	۸۵۸۶	۱۹۲۰	۶.۶	۳۳	۱۰.۵
چوبر	۱۶۴۲۹	۳۷۰۰	۱۳	۵۰	۱۶
حویق	۱۱۲۰۱	۲۵۵۰	۸.۶	۲۹	۹.۲
خطبه سرا	۱۳۴۹۵	۳۴۳۶	۱۰	۲۲	۷
لیسار	۸۷۱۰	۲۱۰۱	۷	۲۷	۹
ساحلی جوکندان	۱۸۲۳۲	۴۱۳۷	۱۴	۲۵	۸
طولارود	۱۹۰۶۱	۴۲۸۰	۱۵	۳۵	۱۱
کوهستانی تالش	۶۴۷۹	۱۵۱۲	۵	۴۸	۱۵.۳
جمع	۱۲۹۳۴۹	۳۰۰۹۲	۱۰۰	۳۱۳	۱۰۰

Source: Statistical Center of Iran, 2010



نقشه (۲) موقعیت دهستان‌های شهرستان تالش, 2015 Source: The authors draw

مبانی نظری

نظریه بنیانی در مورد توسعه و توسعه‌نیافتگی اقتصادی، در خلال سال‌های دهه ۱۹۵۰ شکل گرفت. تا آن هنگام، سطحی پایین از توسعه و فقر، وضعیتی طبیعی تلقی می‌شد و هر تلاشی که برای بهبود وضعیت موجود صورت می‌گرفت، به عنوان یک موضوع قابل مطالعه مورد توجه قرار نمی‌گرفت. در مجموع از زمان آغاز طرح مباحث توسعه و توسعه‌نیافتگی، مکاتب و دیدگاه‌های مختلفی راجع به توسعه و توسعه‌نیافتگی ارائه شده که از جمله آن‌ها می‌توان به مکتب تکاملی توسعه، نظریه نوسازی، دیدگاه مارکسیستی از توسعه و نظریه وابستگی اشاره نمود

(Sdrmvsvy and Talebzade,2014:5). شکاف‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، هم می‌تواند بین افراد و جوامع و هم بین مناطق بروز کند. اغلب این عدم تعادل‌ها باهم به وجود می‌آیند. نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باعث عدم تعادل‌های فزاینده در زمینه‌های مختلف بین جوامع و مناطق مختلف می‌شود که در نهایت به بروز دوگانگی در سطوح اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای منجر می‌شود. توجه به بعد فضایی توسعه تلاش برای ایجاد شرایطی است که نواحی فقیرتر و محروم‌تر از منافع توسعه بیشتر بهره‌مند شوند و فاصله بین نواحی توسعه‌یافته و نواحی توسعه‌نیافته کاهش یابد. از طرفی برنامه‌ریزی فضایی به دنبال یک نظم فضایی ارگانیک است که در آن هر جامعه و سرزمین بر اساس جایگاه و مرتبه‌ای که دارد در فرآیند توسعه، فعالیت‌ها و کارکردها نقش داشته باشد و در حد جایگاه خود از منابع و دستاوردهای توسعه بهره‌مند شود (Jomepoor,2011:112). امروزه نظریه‌پردازان ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح را برای رسیدن به توسعه متوازن مطرح می‌سازند و معتقدند که توسعه متعادل بر آن است که بهترین شرایط و امکانات را برای پیشرفت جامع و همه‌جانبه فراهم آورد؛ تفاوت‌های کیفیت زندگی بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای را به حداقل رساند و در نهایت از بین ببرد (Abrahamzadeh and Sharifi kia,2004:12).

برنامه‌ریزی فضایی فرآیندی است برای بهره‌ورسازی و آرایش منطقی، حفظ تعادل، توازن و هماهنگی بین جمعیت و تأسیسات اقتصادی و اجتماعی ایجادشده توسط آن در فضای (ملی و منطقه‌ای) کشور و جلوگیری از بروز عدم تعادل و بازتاب‌های تخریبی و منفی در فضای سرزمین، به عبارت دیگر هدف برنامه‌ریزی فضایی توزیع بهینه و سازمان‌یابی انسان و فعالیت‌ها در سراسر سرزمین ملی است (Masumi Eshkavari,2007:18). در اصل برنامه‌ریزی فضایی تخصیص بهینه فضا به فعالیت‌های مختلف، بر اساس قابلیت‌های مناطق، و در دوره زمانی معین است. بدون برنامه‌ریزی فضایی ابزار حرکت و هدایت به سوی توسعه موزون و تعادل‌های منطقه‌ای وجود ندارد (Ziyari,2000:34) در رابطه با این مباحث برنامه‌ریزی آمایش سرزمین مطرح می‌گردد.

آمایش سرزمین، توزیع بهتر جمعیت با توجه به منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی را به عنوان هدف، دنبال می‌کند و رفاه و توسعه کامل ظرفیت‌های بالقوه جمعیت را در نظر دارد (Hansen,1968:6). در چنین بعد فضایی، فعالیت‌ها در برنامه‌ریزی سرزمین مورد توجه قرار می‌گیرد. برنامه منطقه یا طرح توسعه نیز باید به طریقی اجرا شود که به منافع ملی بیفزاید نه این که در اجرای آن خلل وارد سازد (Kuklinski,1978:5). برنامه‌ریزی آمایش فضای توسعه، فرآیند سازمان‌دهی بهره‌برداری عقلایی از امکانات، منابع و استعدادهای فضای ملی و منطقه‌ای به منظور پیشرفت متعادل و موزون جامعه و اقدامی هدفمند است که آشفتگی فضایی و عدم تعادل‌های منطقه‌ای و سازمان‌دهی فضای ملی برای برنامه‌های توسعه را بدون رویارویی با مشکلات فضایی آینده قابل حصول نموده و بهره‌وری از سرزمین را بهینه می‌نماید. آمایش سرزمین بنا بر تعریف مهندسی، ترتیبات بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌های اجتماعی و طبیعی سرزمین است (Fulladi,2003:18) که به منظور ایجاد سازمان سرزمینی مبتنی بر بهره‌گیری بهینه از منابع و ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی سرزمین (نظام‌های فضایی) است (Markaz Meli Ammayesh, 2007:25). از زمینه‌های بسیار مهم آمایش سرزمین، شناخت عدم تعادل‌های ناشی از توسعه است که به دلیل ناموزون بودن توسعه کشور در تمام سطوح بروز می‌کنند و عبارت‌اند از:

- عدم تعادل‌های بخشی (مانند عدم تعادل بین بخش‌های کشاورزی و صنعت)؛

- عدم تعادل‌های اجتماعی (مانند عدم تعادل بین شهر و روستا)؛
 - عدم تعادل‌های اقتصادی (مانند شکاف بین بخش نوین و سنتی اقتصاد و عدم تعادل بین تولید و مصرف)؛
 - عدم تعادل‌های منطقه‌ای (مانند عدم تعادل بین فضاهای حاشیه‌ای و قطب‌های توسعه) (Masumi Eshkavari, 2007: 18-19).

آمایش سرزمین و تعادل منطقه‌ای از طرفی بسط فضای توسعه قبل از تمرکز مطلوب و ایجاد مناطقی با فضای آمایش یافته به خرد شدن منابع و عدم کار آبی در پراکندگی‌های فضایی کوچک خواهد انجامید. از طرف دیگر تجمع بخشی - فضایی منابع و امکانات در یک مرکز همراه با پیوندهای بین‌المللی و مرکزیت سیاسی آن را به قطبی بدل می‌سازد که دوگانگی بافت اقتصادی - اجتماعی کشور را دامن می‌زند. مرکز رشد به صورت مرکز ثقل قلمرو و حوزه‌اش مبدل شده و چنان که نسبت به ظرفیت حوزه‌اش افزایش جذب بی‌رویه فعالیت‌ها را داشته باشد، نه تنها جاذب یک طرفه منابع شده بلکه به خشک شدن حوزه نفوذش منتهی می‌گردد. چنین روندی را قطبی شدن می‌نامیم. درحالی‌که با دست یافتن به حدی از رشد در پهنه‌ی کشور و نیز ایجاد توانایی‌هایی برای توسعه در بعضی نقاط و نواحی توسعه‌نیافته کشور و رسیدن به تعادل‌های بخشی در اقتصاد ملی توسعه موزون که مرحله بالایی از توسعه کشور است، آغاز می‌شود. ایجاد منطقه‌ای در کشور، سیمای توسعه‌یافتگی آن کشور در افق زمانی‌ای است که باروری یکسان قابلیت‌های توسعه در آن کشور به وجود آمده باشد. یعنی تعادل در تخصیص منابع و بهره‌کلید پایان‌تری از ظرفیت‌های تولیدی مابین مناطق یک کشور، یک آرمان است که با گذار از مراحل ضروری توسعه‌ی کشور مقدور خواهد بود. برای تعادل بخشیدن، نیاز به شناخت دقیق قابلیت‌ها و انتخاب صحیح آن‌ها در عرصه‌ی کشور است، این از طریق آمایش سرزمین میسر است. یکی از مهم‌ترین وظایف برنامه‌ریزان فضایی، مکان‌یابی فضاهای توسعه به گونه‌ای است که بهترین و بیش‌ترین نقش در تداوم و انتشار توسعه به فضاهای مجاور دورافتاده را داشته باشند و بخش بزرگ‌تری از سرزمین و جمعیت بیشتری را منتفع سازند (Masumi Eshkavari, 2007: 23).

در بخش پیشینه تحقیق، نگارندگان یافته‌های دیگران و به عبارت دیگر، پیشینه مسئله یا نتایج تحقیقات دیگران و نیز قضایای کلی مرتبط با مسئله تحقیق را گردآوری کرده‌اند مطرح شده است. براین اساس، نمونه‌ای تحقیقاتی که درباره‌ی سنجش توسعه‌یافتگی مناطق به ویژه نواحی روستایی انجام شده به طور خلاصه بیان می‌شود:

صدر موسوی و طالب‌زاده در مقاله خود تحت عنوان تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان چالدران در سال ۱۳۹۲، با استفاده از روش‌های کمی (مدل موریس و ضریب اختلاف) و با ۳۸ شاخص، به این نتایج رسیده که از مجموع ۵ دهستان هیچ دهستانی در سطح توسعه‌یافته نبوده و ۴ دهستان در سطح در حال توسعه و یک دهستان نیز در سطح کمتر توسعه‌یافته قرار دارند. صفری و بیات در سال ۱۳۹۱ در مقاله‌ای با عنوان تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی استان آذربایجان شرقی با استفاده از تکنیک آماری تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، که با استفاده از ۴۵ شاخص، به این نتایج رسیدند که از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی بین دهستان‌های استان تفاوت و نابرابری وجود دارد به طوری که از ۱۴۱ دهستان این استان یک دهستان در سطح کاملاً برخوردار، ۵۵ دهستان تا حدی برخوردار، ۲۴ دهستان محروم، ۵۶ دهستان در سطح بسیار محروم قرار دارند. امینی نژاد، بیک محمدی و حسینی ابری در مقاله‌ای با عنوان تحلیل درجه توسعه‌یافتگی دهستان‌های حوزه تأسیسات پارس جنوبی در استان

بوشهر در سال ۱۳۸۷، با بهره‌گیری از مدل‌های موریس و تاکسونومی، ۶۵ شاخص اقتصادی و اجتماعی در سطح دهستان انتخاب گردیده و نتایج این بررسی نشان می‌دهد که ۱۵/۴ درصد دهستان‌ها در گروه دهستان‌های برخوردار، ۳۸/۵ درصد در گروه نیمه برخوردار، و ۴۶/۱ درصد در گروه محروم طبقه‌بندی شده‌اند. بهرامی و عطار در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۰، با استفاده از مدل تاپسیس و با ۲۴ شاخص کمی و کیفی، به رتبه‌بندی ۱۴ شهرستان این استان پرداخته شده است، نتایج این بررسی نشان می‌دهد که ارتباط معنادار بین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان با نرخ شهرنشینی آن‌ها دارد. پور طاهری، سجاسی قیداری و صادقلو در مقاله‌ای تحت عنوان سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده آل فازی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده) در سال ۱۳۸۸، که در سطح ۲۱ روستا و ۳۰۶ خانوار نمونه در دهستان حومه مرکزی شهرستان خدابنده، نتایج تحقیق نشان داد که پس از سنجش شاخص‌های ذهنی پایداری اجتماعی، روستای آقچه قیا بالاترین و روستای ورجوشان پایین‌ترین میزان پایداری اجتماعی در بین روستاهای نمونه را ارائه کرده‌اند. زیاری، زنجیرچی و سرخ کمال در مقاله‌ای در عنوان بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس در سال ۱۳۸۸، نتایج تحقیق حاکی از آن دارد که شهرستان مشهد رتبه ۱ و شهرستان خلیل‌آباد رتبه ۱۹ را در بین ۱۹ شهرستان استان رضوی کسب کرده و ضریب پراکندگی به دست آمده ۰/۳ بوده است که بیانگر وجود تفاوت و شدت نابرابری در میزان بهره‌مندی از مواهب توسعه است.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش از ۲۶ شاخص برای تعیین توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان تالش استفاده گردیده است، در ابتدا با استفاده از روش آنتروپی شانون، وزن و اهمیت هر یک از شاخص‌های مورد نظر محاسبه و بعد از تعیین وزن و اهمیت هر کدام از شاخص‌های انتخابی، از روش تاپسیس اقدام به سنجش درجه توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان تالش گردیده است. بررسی نتایج محاسبات وزن شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپی شانون نشان می‌دهد بیش‌ترین وزن مربوط به شاخص‌های درصد روستاهای دارای مدرسه راهنمایی و درصد روستاهای دارای مرکز بهداشت است. به ترتیب ۰.۱۷ و ۰.۱۲ و کمترین وزن مربوط به شاخص‌های درصد روستاهای دارای بقالی و همه شاخص‌های مربوط به بخش زیربنایی، ۰.۰۰ و ۰.۰۱ است. بر اساس یافته‌های تحقیق نابرابری و ناهمگنی از نظر توزیع شاخص‌ها مشهود است. امکانات زیربنایی (شامل آب، برق و گاز) به عنوان نیازهای اولیه زیستی انسان بشمار می‌آید، همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر آبادی‌های این منطقه فاقد امکانات زیربنایی می‌باشند.

جدول (۳) عناوین و وزن شاخص‌ها جهت تعیین درجه توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان تالش

ردیف	شاخص	وزن شاخص
۱	درصد روستاهای دارای روستا مهد	۰.۰۴
۲	درصد روستاهای دارای دبستان	۰.۰۱
۳	درصد روستاهای دارای راهنمایی پسرانه	۰.۰۸
۴	درصد روستاهای دارای راهنمایی دخترانه	۰.۱۷
۵	درصد روستاهای دارای مرکز بهداشت	۰.۱۲

۰.۰۱	درصد روستاهای دارای خانه بهداشت	۶
۰.۰۷	درصد روستاهای دارای پزشک خانواده	۷
۰.۰۶	درصد روستاهای دارای پزشک	۸
۰.۰۳	درصد روستاهای دارای بهورز	۹
۰.۰۱	درصد روستاهای دارای شورای اسلامی	۱۰
۰.۰۱	درصد روستاهای دارای دهیار	۱۱
۰.۰۴	درصد روستاهای دارای شورای حل اختلاف	۱۲
۰.۰۴	درصد روستاهای دارای شرکت تعاونی روستایی	۱۳
۰.۰۲	درصد روستاهای دارای نمایندگی نفت سفید	۱۴
۰.۰۰	درصد روستاهای دارای بقالی	۱۵
۰.۰۱	درصد روستاهای دارای نانوبی	۱۶
۰.۰۷	درصد روستاهای دارای تعمیرگاه کشاورزی	۱۷
۰.۰۲	درصد روستاهای دارای دفتر مخابرات	۱۸
۰.۰۴	درصد روستاهای دارای دفتر فناوری اطلاعات	۱۹
۰.۰۲	درصد روستاهای دسترسی به اینترنت	۲۰
۰.۰۲	درصد روستاهای دارای دسترسی به وسیله نقلیه عمومی	۲۱
۰.۰۱	درصد روستاهای دارای برق	۲۲
۰.۰۷	درصد روستاهای دارای گاز	۲۳
۰.۰۱	درصد روستاهای دارای آب	۲۴
۰.۰۰	درصد روستاهای دارای مسجد	۲۵
۰.۰۴	درصد روستاهای دارای امامزاده	۲۶

Source: Research Findings, 2015

جدول شماره (۴): ضریب اختلاف ابعاد دهستان‌های شهرستان تالش

ابعاد	آموزش	بخش بهداشتی - درمانی	سیاسی - اداری	خدمات - بازرگانی	ارتباطات و حمل‌ونقل	زیربنایی	مذهبی
ضریب اختلاف (CV)	۰.۳۰	۰.۵۴	۰.۰۳	۰.۲۸	۰.۳۸	۰.۰۴	۰.۲۴

Source: Research Findings, 2015

وزن سطوح برخورداری هر یک از دهستان‌های شهرستان تالش بر اساس مدل تاپسیس محاسبه شده و نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد که این اوزان در میان دهستان‌ها در نوسان است. که پایین‌ترین آن با ۰.۴۱۱ مربوط به دهستان اسالم و بالاترین آن با ۰.۵۱۶ مربوط به دهستان حویق می‌باشد (جدول ۵). با استفاده از این روش به سنجش توزیع نامتعادل مقدار هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه در بین دهستان‌های شهرستان تالش پرداخته شده است. با توجه به بررسی ضریب اختلاف هر یک از بخش‌ها باید گفت که بخش بهداشتی - درمانی، با ضریب اختلاف ۰.۵۴ دارای بیش‌ترین میزان نابرابری در توزیع امکانات و خدمات بوده است. بعد از آن بخش ارتباطات و حمل‌ونقل با ضریب ۰.۳۸، بخش آموزش با ضریب اختلاف ۰.۳۰، بخش خدمات و بازرگانی با ضریب اختلاف ۰.۲۸، بخش مذهبی با ضریب اختلاف ۰.۲۴، بخش زیربنایی با ضریب اختلاف ۰.۰۴ و بخش سیاسی و اداری با ضریب اختلاف ۰.۰۳ در رده‌های بعدی جای می‌گیرند (جدول ۴). بنابراین در میان شاخص‌های مورد مطالعه، بیش‌ترین میزان عدم تعادل در توزیع امکانات و خدمات در بخش بهداشتی و درمانی و بیش‌ترین میزان تعادل و برابری نیز در شاخص سیاسی - اداری بوده است.

بر اساس سطوح برخورداری شاخص‌های توسعه‌یافتگی، دهستان‌های شهرستان تالش به سه سطح برخورداری (توسعه‌یافته)، نیمه برخورداری (در حال توسعه) و غیر برخورداری (کمتر توسعه‌یافته) تقسیم‌بندی شده‌اند (نقشه ۲ و

جدول شماره ۶). بر طبق این تقسیم‌بندی، دهستان حویق در سطح برخوردار (توسعه‌یافته) قرار دارد. دهستان‌های چوبر، خطبه سرا، خاله سرا، خرگیل، لیسار، طولارود، ساحلی جوکندان در سطح نیمه برخوردار و دهستان‌های اسالم و کوهستانی تالش نیز در سطح غیر برخوردار قرار دارند. توسعه‌یافتگی نواحی شمالی و شرقی شهرستان تالش به ویژه دهستان‌های واقع در محور ترانزیتی انزلی - آستارا نسبت به نواحی دیگر آن دارای دلایل مختلفی است. از دلایل مهم این امر استقرار راه‌های ارتباطی و دسترسی به راه‌های آسفالت‌ه به دلیل نزدیک بودن به شهرها، راحتی در ارائه تسهیلات و خدمات از جمله برق و آب می‌باشد که باعث برخورداری بیشتر آن‌ها نسبت به سایر دهستان‌ها شده است. همچنین این نکته بایستی خاطر نشان کرد این شهرستان دارای پنج نقطه شهری است، با توجه به اینکه اگر شهرها عملکرد و وضعیت مناسب از لحاظ اقتصادی و خدماتی نداشته باشند در ارائه خدمات به نواحی روستایی منطقه موفق عمل نخواهند کرد، از آنجایی که شهر اسالم از نظر اقتصادی و خدماتی عملکرد ضعیفی دارد در نتیجه در ارائه خدمات به نواحی روستایی خود موفق عمل نکرده است به طوری که دهستان اسالم محروم‌ترین دهستان از لحاظ سطوح توسعه‌یافتگی است. ولی شهر حویق با توجه به موقعیت جغرافیایی خود از لحاظ نزدیکی به شهر مهم بندری آستارا و دسترسی به راه ترانزیتی دو شهر بندری انزلی - آستارا نسبت به بقیه شهرهای این شهرستان در خصوص توسعه نواحی روستایی اطراف خود موفق‌تر بوده، طوری که دهستان حویق توسعه‌یافته‌ترین دهستان در بین ۱۰ دهستان این شهرستان است. این امر بیشتر با نظریه مرکز - پیرامون فرید من قابل تبیین است.

جدول (۵) نتایج رتبه‌بندی بر حسب دهستان‌های شهرستان تالش

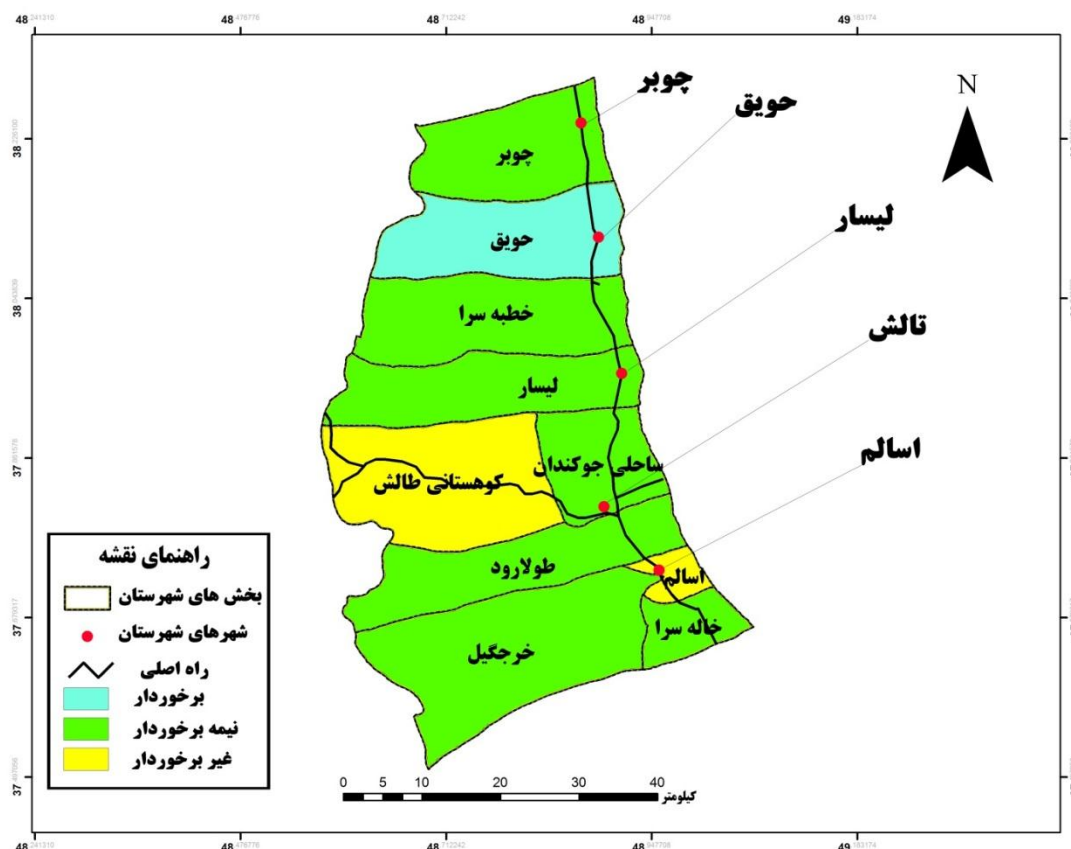
نام دهستان	وزن	رتبه
اسالم	۰.۴۱۱	۱۰
خاله سرا	۰.۵۰۰	۳
خرگیل	۰.۴۹۶	۶
چوبر	۰.۴۹۹	۵
حویق	۰.۵۱۶	۱
خطبه سرا	۰.۴۹۹	۴
لیسار	۰.۴۸۷	۸
ساحلی جوکندان	۰.۵۱۰	۲
طولارود	۰.۴۸۸	۷
کوهستانی تالش	۰.۴۷۰	۹

Source: Research Findings, 2015

جدول (۶) درجه سطوح برخورداری دهستان‌های شهرستان تالش

نام دهستان	برخوردار	نیمه برخوردار	غیر برخوردار
حویق	**		
چوبر، خطبه سرا، خاله سرا، خرگیل، لیسار، طولارود، ساحلی جوکندان		**	
کوهستانی تالش، اسالم			**

Source: Research Findings, 2015



نقشه (۳) طبقه‌بندی دهستان‌های شهرستان تالش بر حسب برخورداری 2015، Research Findings

یافته‌های تحقیق حاضر مبین دو دستاورد پژوهشی است. نخست، نشان می‌دهد در روند توسعه اجتماعی و توزیع فضایی خدمات و امکانات در میان دهستان‌های شهرستان تالش، الگوهای سایر شهرستان‌ها و مطالعات مشابه مشاهده شده است. بدین معنا که در روند توسعه‌یافتگی در سطح دهستان‌های این شهرستان، مؤلفه‌هایی مانند میزان جمعیت، تعداد مراکز روستایی، فاصله از مرکز شهرستان یا نزدیکی به ساحل، دسترسی به راه اصلی و کوهستانی بودن اثربخشی چندانی نداشته و این امر بر خلاف بیشتر مطالعات مشابه است که نشان‌دهنده تأثیر مؤلفه‌های فوق بر روند توسعه‌یافتگی است. دوم، مطابق با بررسی حاضر، عدالت فضایی در سطح دهستان‌های شهرستان تالش برقرار نشده و تفاوت‌های چشم‌گیری در سطح و کیفیت توسعه‌یافتگی در دهستان‌های شهرستان دیده می‌شود. این تفاوت بیانگر نحوه نابرابر دسترسی و فرصت برای ساکنان نواحی روستایی در دسترسی به منابع و خدمات است. حال آنکه مبتنی بر رویکرد عدالت فضایی، فرصت‌ها و دسترسی و برخورداری از مؤلفه‌های توسعه و رفاه، لزوماً می‌بایست به نحوی برای همه گروه‌ها و نواحی جامعه فراهم شود که برابری فرصت‌ها و دسترسی به منابع به طور عادلانه تأمین گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه اقتصاددانان طرفدار رشد متوازن در مناطق مختلف کشور معتقدند که نظریه قطب رشد نه تنها در کاهش فقر و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای موفق نبوده بلکه موجب تشدید آن نیز شده است (Bahrami and Attar, 2012:9). کشور ایران با شرایط ویژه جغرافیایی متفاوتی قرار گرفته و در گذر زمان، فراز و نشیب‌های

فراوانی را طی کرده است. به همین سبب، در نواحی مختلف ایران، امر توسعه یکسان صورت نگرفته و نابرابری‌هایی در میزان برخورداری از مواهب توسعه، به وجود آمده است (Zali and Ghanbari, 2005:78). از این رو ضرورت بازنگری در نظام برنامه‌ریزی به صورت سیستمی و بدور از تبعیضات و تصمیمات غیرمنطقی به منظور رفع نابرابری‌های فعلی و رسیدن به توسعه متوازن و برابر توصیه می‌گردد. بر اساس نظریات این دسته از اقتصاددانان هدف توسعه متعادل، بالا بردن سطح کیفیت زندگی مردم با ایجاد بهترین شرایط و امکانات برای توسعه جامعه در همه نواحی باشد و از طرفی تفاوت‌های سطح زندگی در نواحی مختلف را به حداقل برساند. بنابراین نخستین گام در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و منطقه‌ای شناسایی توان‌های محیطی بوده، ادراک محیطی خود مستلزم تجزیه و تحلیل شاخص‌های مرتبط با آن است. از این رو تخصیص منابع و اعتبارات میان نواحی مختلف باید بر اساس سطح بهره‌مندی از مواهب توسعه شکل بگیرد. تداوم چنین برنامه‌ریزی در مقیاس کلان موجب خودکفایی اقتصادی، همچنین مانع از خروج ارز به خارج می‌گردد. " ارزیابی و رتبه‌بندی سکونتگاه‌های روستایی شناختی به دست می‌دهد که بدون آن برنامه‌ریزی و مدیریت در جهت پارادایم فعلی توسعه، با دشواری روبه‌رو است (Roknedine Eftekhari and Aghayari Hir, 2008:31).

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دهستان‌های این شهرستان از امکانات مساوی برخوردار نیستند، چنین وضعیتی، به دلیل برنامه‌های گاه غیراصولی و تخصیص ناعادلانه اعتبارات و خدمات، روند ناپایداری سکونتگاهی در این ناحیه را افزایش داده است. چنین وضعیتی پیامد الگوی توسعه با نگرش مرکزگرا است، به عبارتی دقیق‌تر سرمایه‌گذاری‌ها در نقاط شهری تخصیص و هزینه می‌گردد در این میان مقدار اندکی از منابع بودجه‌ای به مراکز روستایی تخصیص می‌یابد. از طرفی تداوم کاهش تعداد جمعیت در نقاط روستایی، روند برنامه‌ریزی روستایی را با مشکل مواجه خواهد ساخت. بنا بر بررسی‌های صورت گرفته از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی دهستان حویق برخوردارترین (توسعه‌یافته‌ترین) و دهستان اسالم و دهستان کوهستانی تالش محروم‌ترین دهستان شناخته شد در مجموع از ۱۰ دهستان شهرستان تالش یک دهستان برخوردار، ۷ دهستان نیمه برخوردار و ۲ دهستان محروم شناسایی شده‌اند. ضریب اختلاف به دست آمده برای شاخص‌های موجود در هر یک از دهستان‌های این شهرستان بیانگر وجود شدت نابرابری در میزان بهره‌مندی از مواهب توسعه است. در بین این ابعاد بعد سیاسی - اداری و زیربنایی به ترتیب با ضریب اختلاف ۰.۰۳ و ۰.۰۴ وضعیت مناسب و ابعاد بهداشتی، درمانی و ارتباطات و حمل‌ونقل با ضریب اختلاف بالا و نزدیک به عدد ۱ از شدت نابرابری در میزان برخورداری از مواهب توسعه را بیان می‌کند. یکی از دلایل بالا بودن امتیاز دهستان حویق، به نسبت دیگر دهستان‌های تابعه شهرستان، نزدیکی دهستان به راه ارتباطی تالش به آستارا است. و هر یک از دهستان‌ها با دور شدن از مرکز شهرها از نسبت برخورداری آن‌ها از خدمات و امکانات برای دستیابی به توسعه روستایی کاسته می‌شود. نتیجه‌گیری کلی، الگوی حاکم بر ساختار فضایی در شهرستان تالش به تبع از مقیاس ملی و استانی، تابع نظام مرکز - پیرامون است. و تداوم این روند، شکاف و نابرابری را شدت بخشیده و روند مهاجرت‌های روستایی را دو چندان خواهد کرد. از طرفی نه تنها مشکلات روستاییان حل نمی‌شود بلکه مشکلات شهری را نیز دو چندان خواهند کرد. لذا توجه به برنامه‌ریزی منطقی و سیستمی که در آن نگرش‌ها بر اساس راهبردهای منطقی و علمی استوار باشد، برای نیل به توسعه متوازن

ناحیه‌ای، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بشمار می‌آید. کمبود امکانات و خدمات اولیه زیستی (آب سالم و مسکن) و همچنین کمبود درآمد مناسب موجب گردیده روند مهاجرت‌های روستایی از شدت بالایی برخوردار باشند. به طور کلی نتایج حاصل از این پژوهش به شرح زیر است:

- از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی بین دهستان‌های شهرستان تفاوت و نابرابری وجود دارد، توزیع خدمات و امکانات در سطح دهستان‌ها بر اساس عدالت فضایی صورت نگرفته است.

- دهستان‌های محروم و بسیار محروم اغلب در فاصله دورتری از مراکز شهرستان قرار دارند این امر باعث شده از منافع توسعه زیاد بهره‌مند نشوند.

- با توجه به اینکه راه ارتباطی به عنوان شریان حیاتی توسعه روستایی و وسیله خدمات‌رسانی به روستاییان است ولی هم اکنون تعداد زیادی از آبادی‌های موجود در دهستان‌های این شهرستان از داشتن راه ارتباطی آسفالت‌محروم می‌باشند.

- تعدادی از آبادی‌های موجود در دهستان‌ها نیز به علت داشتن موقعیت کوهستانی در انزوای جغرافیایی خاص قرار داشته و فاصله زیادی از مرکز شهرستان دارند که این امر باعث ایجاد نارسایی‌هایی در خدمات‌رسانی به این نواحی شده و محروم ماندن آن‌ها را موجب گردیده است.

دهستان‌های نیمه برخوردار و غیر برخوردار شهرستان جهت رسیدن به سطوح توسعه‌یافته و برخوردار، نیازمند تهیه و اجرای طرح‌های متناسب با نوع و سطح توسعه‌یافتگی و محرومیت خوددارند. در این میان دهستان‌های اسالم و کوهستانی تالش جهت توسعه مطلوب و پایدار در نواحی روستایی شهرستان تالش، با توجه به عوامل مؤثر در سطوح توسعه‌یافتگی (برخوردار)، تقویت مراکز شهری و روستایی، ایجاد محورهای جدید توسعه در شهرستان و تقویت محورهای ضعیف موجود ضرورت دارد.

پژوهش حاضر در میان رویکردهای برنامه‌ریزی توسعه روستایی به عنوان رویکرد اجتماعی برنامه‌ریزی قابل تفسیر است. در این رویکرد نگرش برنامه‌ریزی، بر توسعه اجتماعی بیش از ابعاد اقتصادی و کالبدی تأکید نموده و جریان توسعه را بر مبنای برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی تحلیل می‌کند. رویکرد اجتماعی برنامه‌ریزی توسعه روستایی حداقل بر سه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، توسعه اجتماعات محلی و راهبرد مشارکت مردم در توسعه روستایی تأکید می‌کند. و در این میان، مهم‌ترین هدف برنامه‌ریزان، تحقق اهداف اجتماعی توسعه از طریق توزیع متعادل سرمایه‌گذاری‌ها، خدمات و تسهیلات رفاهی است. علاوه بر این، تحقق اهداف مذکور با ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات، قابل تأمین است که در رویکردی کالبدی - فضایی تفسیر می‌شود و در رویکرد کالبدی - فضایی، راهبرد توسعه‌ی مراکز رشد روستایی، روستایی - شهری و برنامه‌ریزی مراکز روستایی اهمیت بیشتری دارند.

بنا بر رویکردها و راهبردهای فوق، پژوهش حاضر نیاز به برنامه‌ریزی اجتماعی با راهبرد توسعه اجتماعات محلی و رویکرد کالبدی - فضایی با راهبرد توسعه روستایی - شهری را در سطح دهستان‌های شهرستان تالش بازگو می‌کند. بر این اساس، برنامه‌ریزی توسعه روستایی در شهرستان تالش به منظور رفع نابرابری توزیع خدمات و برقراری عدالت فضایی تسهیلات خدماتی و رفاهی لازم است به اولویت‌بندی توزیع خدمات در دهستان‌های محروم شهرستان و ایجاد فرصت‌های برابر در همه دهستان‌ها توجه نماید.

Reference

- Afrakhteh, Hasan, (2012), Introduction to Rural Planning, (In Persian), Parham Naghsh Press, First Edition.
- Asgharpoor, Mohammad Javad, (2005), Multi-Criteria Decision Making, (In Persian), Tehran University Press, Volume II.
- Askari, Ali, (2002), Regional Planning Master's Course Booklet, (In Persian), Tehran, Trabiati Modares University.
- Azar, Adel and Gholamrezaei, (2007), Ranking of Provinces with Data Envelopment Analysis Approach (Using the Human Development Indices), (In Persian), Journal of Economic Research of Iran, Eighth Year, No 27. Tehran.
- Bahrami, Rahmatollah and Attar, Khalil, (2012), Analysis of The Degree of Development of West Azerbaijan Counties, (In Persian), Quarterly Journal Geographical landscape, Sixth year, No. Sixteenth, Rasht Islamic Azad University.
- Ebrahim Zadeh Eisa and Sharifikia, Mohammad, (2004), Planning and Organizing Scattered Villages, Case Study: Corbon Zahedan Rural, (In Persian), Journal of Geography and Development, No 1, Zahedan.
- Foladi, M,H, (2003), Issues Around Land Use Planning, (In Persian), Message Technical Directors and Executive Management and Planning Organization.
- Governership of Rezvanshahr City, (In Persian), (2015).
- Hansen N.M. (1968), French Regional Planning, Edinburgh Indian University.
- Hekmat Nia, Hasan and Mousavi, Mirnajaf, (2012), Application of Model In Geography with an Emphasis on Urban and Regional Planning, (In Persian), New Science Press, Second Edition.
- Jahad keshavarzi of Talesh City, 2014, Agriculture Statistical Yearbook, (In Persian).
- Jome Poor, Mahmood, (2011), Introduction to Rural Development Planning, Perspectives and Methods, (In Persian), Samt Press.
- Kalantari, Khalil, Planning and Regional Development (Theories and Techniques), (In Persian), 2012, Khoshbin and Anvar Danesh Press.
- Masomi Eshkevari, Seyed Hasan, 2007, Principles of Regional Planning, (In Persian), Payam Prees.
- Momeni, Mansoor, Operations Research, (In Persian), 2009, Tehran University Press, Second Edition
- National Center for Land Use Planning, (2013), National Land Use Planning Policy, (In Persian), Management and Planning Organization.
- PressKuklinski, A. (1978), Regional Planning Today, Tehran, Plan and Budget Organization, Feb.
- Planning Department Gilan, (2012), Statistical Yearbook of Gilan, (In Persian).
- Rezvani, Mohammadreza, (2012), (In Persian), Rural Development Planning in Iran, Ghomos Prees, Fourth Edition, Tehran.
- Roknadin Eftekhari, E and Agha Yari Hir, M, (2008), (In Persian) Levelizing the Sustainability of Rural Development, A Case Study Hir City, Journal of Geographical Research, No 61, Tehran
- Sadr Mosavi, Mir Sattar and Talebzadeh, Mir Heydar, (2014), Determine and Analyze The levels of Development of Rural Areas, City Chalderan, (In Persian), Journal of Geography and Planning, Year 17, No 44, Tabriz.
- Saeidi, Abas and Hoseini Hasel, Sedighe, (2008), Location Infrastructure and The Establishment of New Villages, (In Persian), First Edition, 2008, Bonyad Maskan Enghelab Eslami Press.
- Statistical Center of Iran, (2012), General Census of Population and Housing of Gilan, (In Persian).
- Shakoei, Hosein, New Approaches in Urban Geography, (1995), Tehran, Samt Press.
- Zali, Nader and Abolfazl Ghanbari Haft Cheshmeh, (2008), Analysis of Geographical Approaches in Regional Development and Matching the Characteristics of East Azarbaijan Province, (In Persian). Journal of Humanities and Social Sciences University of Tabriz, Tenth year, No 15.
- Ziari, Kramatolalh, (2009), Principles and Methods of Regional Planning, (In Persian), Yazd University.
- Ziari, Kramatolalh and Others, (2009), Review and Rate the Degree of Development of Khorasan Razavi Province with Using TOPSIS Technique, (In Persian), Journal of Human Geography Research, No 72, Tehran.

Ziari, Kramatolalh and Zanjirchi, Seyed Mahmood and Sorkh Kamal, Kobra, (2011), Review and Rate the Degree of Development of Khorasan Razavi Province with Using TOPSIS Technique, (In persian), Journal of Human Geography Research, No 72, Tehran.

Archive of SID